



Analyzing the Effectiveness of al-Kafi Commentaries on each other in the Safavid Era; Case Study of Miraat al-Uqool and al-Hashia of Mirza Rafiaa Naeni

Mohammadmahdi Farrahi¹

Abstract

Every text is influenced by various sources. Knowing these sources and their effects has special benefits. Therefore, we would like to help to better understand these two works by discovering and examining the influence of two commentaries of Kitab al-Kafi, which were written in the Safavid era. The result is that Miraat al-Uqool has benefited a lot from Mirza Rafiaa's margin. Majlesi has used Mirzaa's al-Hashia in various fields such as explaining the meaning of words, morphological, syntactic and rhetorical discussions, differences in versions and analysis of traditions. Majlisi's extensive quotation shows the high status of Mirza's al-Hashia in Majlisi's eyes. Other reasons for this extensive citation can be attributed to things such as Majlisi's narrativeism and prudence and his tendency to quote various sayings, Majlisi's multiplicity of work, The brevity of Mirza's al-Hashia, Mirza's being one of Majlisi sheikhs and prominent scholars of the Safavid era, and Majlisi's intellectual closeness to Mirza pointed out. Although in some cases Majlisi has limited himself to quoting Mirza's words, he has also paid much attention to other aspects and sayings. Also, in some cases, Majlisi has expressed his opinion and preferred some funds and in some cases he has given problems to Mirza.

Keywords

Mohammad Baqer Majlisi, Mirzaa Rafiaa Naeni, Miraat al-Uqool, al-Hashia alaa Usul al-Kafi, Intertextuality.

Article type: Research

1. Ph.D Student of Quran and Hadith Sciences, Farabi School, University of Tehran.

Email: mohammadfarrahi2011@gmail.com

Received on: 31/01/2024 Accepted on: 08/10/2024

Copyright © 2024, Farrahi

Publisher: Imam Khomeini International University.





شماره چاپی: ۲۵۸۸-۲۸۹۵
شماره الکترونیکی: ۲۵۸۸-۴۴۱۷

مطالعات فقه حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2024.19911.2342

واکاوی اثرپذیری شروح الکافی از یکدیگر در عصر صفوی؛ مطالعه موردی مرآة العقول و حاشیه میرزا رفیعا نائینی

محمد مهدی فرهی^۱

چکیده

هر متنی متأثر از منابع گوناگونی است. شناخت این منابع و اثرگذاری‌های آن‌ها فواید خاصی دارد. ازین رو می‌خواهیم با کشف و بررسی تأثیر و تأثرات دو شرح کتاب الکافی بر روی یکدیگر که در عصر صفوی نگاشته شده‌اند، به شناخت بهتر این دو اثر یاری رسانیم. نتیجه این‌که مرآة العقول فراوان از حاشیه میرزا رفیعا بهره برده است. مجلسی در زمینه‌های گوناگون همچون تبیین معنای واژگان، بحث‌های صرفی، نحوی و بلاغی، اختلاف نسخه‌ها و تحلیل روایات از حاشیه میرزا استفاده کرده است. نقل گسترده مجلسی نشان از جایگاه والای حاشیه میرزا در نزد مجلسی دارد. از دیگر دلایل این نقل گسترده می‌توان به اموری همچون نقل‌گرایی و احتیاط‌گرایی مجلسی و گرایش وی به نقل اقوال گوناگون، کثرت اشتغال مجلسی، مختصر بودن حاشیه میرزا، از مشایخ مجلسی و علمای برجسته عصر صفوی بودن میرزا و نزدیکی فکری مجلسی به میرزا اشاره کرد. هر چند مجلسی در برخی موارد به نقل کلام میرزا اکتفا کرده اما وی به دیگر وجوه و احوال نیز توجه بسیار داشته است. همچنین مجلسی در برخی موارد اظهار نظر کرده و برخی از وجوه را ترجیح داده و در برخی موارد به میرزا اشکال کرده است، این امور نشانگر آن است که مجلسی نقال محض نبوده است.

کلیدواژه‌ها

محمدباقر مجلسی، میرزا رفیعا نائینی، مرآة العقول، الحاشیه علی اصول الکافی، بینا منتبت.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران.

mohammadfarahi2011@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۷



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

هر متنی از منابع گوناگونی بهره می‌گیرد. استفاده بسیار نویسندگان از یک منبع خاص حاکی از اهمیت آن منبع برای وی دارد، از طرف دیگر استفاده نکردن از یک منبع به شرط در دسترس بودن - یا استفاده اندک از آن نشانگر بی‌اهمیتی یا اهمیت اندک آن منبع برای نویسنده دارد. کمیت و کیفیت نقل از یک منبع نیز می‌تواند بیانگر نکات شایان توجهی باشد. برای نمونه، نقل بسیار از یک منبع گاه می‌تواند دل‌بستگی شدید نویسنده به منبع مورد نظر را نشان دهد؛ حال اگر نویسنده تمام این منقولات را بپذیرد و بر آن‌ها مهر تأیید بزند و اشکالی متوجه آن‌ها نکند ممکن است نشان از هم‌فکری یا نزدیکی فکری نویسنده با صاحب منبع یا نشان از تقلید بی‌چون و چرای نویسنده داشته باشد و اگر نویسنده به نقد همه یا غالب آن مطالب اهتمام ورزد می‌توان به طور خاص به موضع انتقادی وی نسبت به آن منبع و به طور عام به روحیه انتقادی وی پی برد. گاه نیز برای فهم بهتر یا آسان‌تر مطلب منقول نیاز به مراجعه به متن اصلی است.

در این مطالعه قصد داریم با بررسی تأثیر و تأثرات دو شرح کتاب الکافی بر روی یکدیگر به شناخت بهتر این دو اثر یاری رسانیم. این دو شرح عبارتند از: الحاشیه علی اصول الکافی اثر میرزا رفیعا نائینی (م ۱۰۸۲ق) و مرآة العقول اثر محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۱ق)، این دو شرح در عصر صفوی نگاشته شده‌اند. میرزا رفیعا از دانشمندان برجسته عصر صفوی است که متکلم، فیلسوف و فقیه بوده است. وی از مشایخ محمدباقر مجلسی است. شرح وی با عنوان الحاشیه علی اصول الکافی در یک مجلد به چاپ رسیده است. میرزا رفیعا در این شرح تنها به شرح بخش اصول کافی پرداخته و از این بخش نیز تنها توفیق یافته است تا کتاب «الحجه، بَابُ أَنَّ الْمُتَوَسِّمِينَ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ هُمُ الْأَيَّمَةُ (ع) وَ السَّبِيلُ فِيهِمْ مُقِيمٌ» حدیث سوم را شرح کند. یکی از اموری که بر جایگاه والای این شرح دلالت دارد این است که ملاحظیل قزوینی (م ۱۰۸۹ق)، صاحب دو شرح فارسی و عربی بر کتاب کافی، از ناسخان شرح میرزا رفیعا بوده است (نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۱).

از دیگر اموری که حاکی از اهمیت این شرح است استفاده دیگر شارحان از این شرح است؛ محقق‌الکشف الوافی اثر شریف شیرازی (م ۱۰۸۱ق) به این‌که شریف شیرازی در شرح خود بسیار از میرزا رفیعا استفاده کرده توجه داده است (شریف شیرازی، ۱۴۳۰ق، ۲۶). ملا صالح مازندرانی (م ۱۰۸۱ق) (۱۳۸۲ق، ۳: ۵۰) با تعبیر «قال بعض المحققین رفع الله تعالی قدره»، مجذوب تبریزی (م ۱۰۹۳ق) (۱۳۸۷ش، ۱: ۲۲۵، ۲۶۸) با تعبیر «قال

السید الأجلّ النائینی رحمه الله»، جیلانی با تعبیر «فی حواشی السید الجلیل الرفیع رفع اللّه شأنه» (۱۴۲۹ق، ۱: ۱۲۵) و «فی حاشیه السید الجلیل الرفیع» (۱۴۲۹ق، ۱: ۲۶۸) در شروح خود بر کافی از میرزا رفیعا نقل کرده‌اند.

مرآة العقول اثر محمدباقر مجلسی، محدث پرکار و نامور شیعه است. این شرح از معدود شروح الکافی است که توفیق یافته کتاب الکافی را به طور کامل - اعم از اصول، فروع و روضه - شرح کند. این اثر بسیار مورد توجه حدیث پژوهان قرار گرفته است به گونه‌ای که برخی آن را بهترین شرح کتاب کافی (ربانی، ۱۳۸۳ش، ۳۳) و برخی آن را در کنار ملاذالاخیار - شرح مجلسی بر تهذیب الاحکام شیخ طوسی - بزرگ‌ترین گام در تفسیر حدیث به شمار آورده‌اند (مسعودی، ۱۳۸۴ش، ۴۵).

مجلسی در مرآة العقول از منابع بسیاری بهره برده است از جمله این منابع شروح نگاشته شده بر کافی کلینی است. مجلسی از شروحو همچون الحاشیه علی اصول الکافی استرآبادی (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۳۵۱؛ قس: استرآبادی، ۱۴۳۰ق، ۱۳۱)، التعلیقه علی اصول الکافی میرداماد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۲۱؛ قس: میرداماد، ۱۴۰۳ق، ۲۵۰-۲۵۱)، شرح اصول الکافی ملاصدرا (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۲۶۶-۲۶۷؛ قس: ملاصدرا، ۱۳۸۳ش، ۲: ۴۰۴): «فقیل: معناه ان العقل والوهم ... حقیقه الامر فیها»، الکشف الوافی شریف شیرازی (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۹۵؛ قس: شریف شیرازی، ۱۴۳۰ق، ۲۴۱): «قیل: قوله: من نظر برأیه هلك ... من نظر برأیه كفر»، شرح الکافی ملاصالح مازندرانی (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۴۳؛ قس: مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ۱: ۱۳۵): «قوله تعالی «یریکم البرق»: الفعل مصدر بتقدير ... کلمه شفاه»، والوافی فیض کاشانی (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۹۱؛ قس: فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۲۵۰؛ قیل: ای بما استدل ... غیر السمع») بهره برده است. مجلسی همچنین حجم گسترده‌ای از الحاشیه علی اصول الکافی اثر استادش، میرزا رفیعا، را در مرآة العقول نقل کرده است. مجلسی در مرآة از میرزا رفیعا نامی نبرده است و با تعابیر «قال بعض الافاضل»، «قال بعض المحققین» و «قیل» از وی نقل کرده است. مجلسی در یک مورد نیز با تعبیر «قال بعض مشایخنا» به نقل از وی پرداخته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۶۱-۶۲). در برخی موارد نیز مجلسی بی آن‌که به میرزا ارجاع دهد از وی نقل می‌کند. مجلسی گاهی از تعابیر دعایی «رفع الله مقامه» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۵۵)، «قدس الله روحه» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۶۱) و «ره» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۴۱) برای میرزا استفاده کرده است. برای آشنایی بیشتر با چگونگی تأثیرگذاری شرح میرزا رفیعا بر مرآة العقول و شناخت بهتر این دو شرح، به تفصیل گونه‌های مختلف این

تأثیرگذاری را می‌کاویم و سعی می‌کنیم ضمن آن، شیوه‌های رویارویی مجلسی با اقوال میرزا را نیز نشان دهیم.

۲. اهمیت منابع مرآة العقول در تصحیح سهو قلم‌ها

بر اهل تحقیق پوشیده نیست که در مرآة العقول سهوهای زیادی، اعم از مواردی که منجر به ابهام متن می‌شوند و نمی‌شوند، رخ داده است. این سهوها گاهی ممکن است مستقیماً به وسیله خود مجلسی رخ داده باشند؛ گاهی نیز ممکن است از سوی ناسخان رخ داده باشند، در صورت اخیر محتمل است که در برخی نسخه‌ها خطا رخ داده باشد و برخی دیگر متن را به درستی ثبت کرده باشند. اگر چنین باشد می‌توان از نسخه صحیح برای تصحیح متن استفاده کرد؛ گاهی نیز ممکن است که سهو در هنگام تایپ و حروف‌چینی رخ داده باشد، در این صورت نسخه صحیح وجود دارد و می‌توان خطا را با آن اصلاح کرد.

در مورد دوم (در صورت دسترسی به نسخه صحیح) و مورد سوم می‌توان از نسخه صحیح برای تصحیح متن مرآة العقول استفاده کرد اما در صورتی که سهو از سوی مجلسی رخ داده باشد و این سهو به تمام نسخه‌ها سرایت کرده باشد یا سهو از دیگران باشد اما نسخه صحیح در دسترس نباشد باید از راهکارهای دیگری برای تصحیح متن استفاده کرد. یکی از این راه‌ها مراجعه به منابعی است که مجلسی از آن‌ها نقل کرده است. یکی از منابعی که در مرآة العقول از آن نقل شده است حاشیه میرزا رفیعا است و اتفاقاً در برخی موارد در مرآة العقول هنگام نقل از حاشیه میرزا سهوهای رخ داده است که در ذیل نمونه‌هایی ذکر می‌شود.

- مجلسی در توضیح «خلق» می‌گوید: «الْخُلُقُ بِالضَّمِّ وَ بَضَمَتَيْنِ: الْهَيْئَةُ الْحَاصِلَةُ لِلنَّفْسِ بِصِفَاتِهَا، وَ يُقَالُ لَهَا السَّجِيَّةُ، وَ يَدُلُّ عَلَيْهَا الْآثَارُ وَ الْأَفْعَالُ الدَّالَّةُ عَلَيْهَا تَسْمِيَةً لِلدَّلَالِ بِاسْمِ الْمَدْلُولِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۷۷). مجلسی این توضیحات را از میرزا رفیعا نقل کرده است؛ در متن مرآة افتادگی وجود دارد که احتمالاً از سوی ناسخان و یا هنگام چاپ و حروف‌چینی رخ داده است. در حاشیه میرزا رفیعا پس از عبارت «يُقَالُ لَهَا السَّجِيَّةُ» چنین آمده است: «وَ يَدُلُّ عَلَيْهَا الْآثَارُ وَ الْأَفْعَالُ. وَ قَدْ يُطَلَّقُ عَلَى الْآثَارِ وَ الْأَفْعَالِ الدَّالَّةُ عَلَيْهَا تَسْمِيَةً لِلدَّلَالِ بِاسْمِ الْمَدْلُولِ» (نائینی، ۱۳۸۲ش، ۷۰). عبارتی که زیر آن خط کشیده شده در مرآة العقول افتاده و متن را مبهم کرده است.

- مجلسی با تعبیر «قیل» از میرزا چنین نقل می‌کند: «يَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ الْمُرَادُ بِالْأَمْرِ

الَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَالْأَيْمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كَمَا قَالَ تَعَالَى «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۳۱-۱۳۲). در این جا کلمه «الروح» قبل از «الذی کان» جا افتاده و این کلمه در شرح میرزا وجود دارد (نائینی، ۱۳۸۲ش، ۱۲۶). این جافتادگی ممکن است کلام را در بادی امر برای برخی خوانندگان مبهم سازد.

- در عبارت «وَتَبَّهَ عَلَى أَنَّهُ لَا يُمَكِّنُ أَنَّ الْفَاعِلَ الْمُخْتَارَ لَهَا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالذَّهَابِ وَ الرَّجُوعِ، وَ يَقُولُهُ: الْقَوْمُ مَضْطَرُونَ، أَي فِي الذَّهَابِ وَ الْخُرُوجِ مِنَ الْوُجُودِ وَ الرَّجُوعِ وَ الدُّخُولِ فِيهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۴۳) حرف «و» قبل از «بقوله» زائد است و در حاشیه میرزا وجود ندارد (نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۴۲) اضافه شدن این حرف در مرآة العقول قدری ابهام به وجود آورده اما با حذف آن، ابهام رفع می شود و مشخص می شود «بقوله» متعلق به فعل «تبه» است.

- در مرآة العقول عبارت «و مُشَارَكَةٌ لِلكُلِّ فِيهَا» و عبارت «و كَلِّمَا يَكُونُ كَذَلِكَ يَكُونُ مُحتاجاً إِلَى مَبْدَأٍ مُغَايِرٍ لَهُ» به دنبال هم آمده اند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۵۴) اما در حاشیه میرزا میان این دو عبارت، عبارت «و كَلِّ مَا يَكُونُ كَذَلِكَ يَكُونُ ذَا مَهْمِيَّةٍ وَ وَجُودٍ يَصِحُّ عَلَيْهَا الْخُلُوعُ عَنْهُ» آمده (نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۵۵). احتمالاً این عبارت در مرآة جافتاده و حذف آن عمدی نبوده است.

- مجلسی در توضیح نحوی عبارت «فَقَدْ بَانَ لَنَا بِإِفْرَارِ الْعَامَّةِ مُعْجَزَةُ الصِّفَةِ أَنَّهُ لَا شَيْءَ قَبْلَ اللَّهِ وَلَا شَيْءَ مَعَ اللَّهِ فِي بَقَائِهِ» می گوید: «وَقَالَ بَعْضُ الْأَفَاضِلِ: الْمُرَادُ بِقَوْلِهِ: إِقْرَأُ الْعَامَّةَ إِذْعَانُهُمْ، أَوْ الْإِبْطَاءُ، وَ عَلَى الْأَوَّلِ... وَأَمَّا عَلَى الثَّانِي فَمُعْجَزَةُ الصِّفَةِ مِنْ إِضَافَةِ الصِّفَةِ إِلَى الْمَوْصُوفِ، أَي الصِّفَةِ الَّتِي هِيَ مُعْجَزَةٌ لَهُمْ...» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۵۴-۵۵). مراد از «بعض الافاضل» میرزا رفیعا است و این مطالب از وی نقل شده است (قس، نائینی، ۱۳۸۲ش، ۴۰۵). نکته شایان توجه این که در کلام میرزا مابین تعبیر «عَلَى الثَّانِي» و «فَمُعْجَزَةُ الصِّفَةِ مِنْ إِضَافَةِ الصِّفَةِ إِلَى الْمَوْصُوفِ» چنین آمده است: «فَمُعْجَزَةُ الصِّفَةِ مَفْعُولُ الْاِقْرَارِ، أَوْ صِفَةٌ لِلْاِقْرَارِ، أَوْ بَدَلٌ عَنْهُ وَ الْمَفْعُولُ مَحْذُوفٌ، وَ عَلَى تَقْدِيرِ كَوْنِهِ مَفْعُولاً». این عبارت در بحارالانوار موجود است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴: ۱۸۰) و مشخص نیست که مجلسی به عمد این عبارت را در مرآة العقول حذف کرده است یا اینکه حذف آن ناشی از سهو ناسخان است.

شایان ذکر است در برخی موارد منبعی که از منبع دیگر نقل کرده است دچار سهو نشده است اما به دلیلی مطلب نقل شده با ابهام، اندک یا بسیار، مواجه شده است که

می‌توان با رجوع به منبع اصلی ابهام را از بین برد. شاید برای این مورد بتوان این نمونه را مثال آورد: مجلسی در توضیح «مَجَلْبَةٌ» در عبارت «حُسْنُ الْخُلُقِ مَجَلْبَةٌ لِلْمَوَدَّةِ» چنین آورده است: «هِيَ إِمَّا مَصْدَرٌ مِمِّيٌّ حَمَلٌ مُبَالِغَةٌ، أَوْ اسْمٌ مَكَانٍ أَوْ اسْمٌ آلَةٍ وَ الْأَوَّلُ أَوْفَقٌ بِنِظَائِرِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۸۶). میرزا رفیعا در این باره می‌گوید: «الْمَجَلْبَةُ إِمَّا مَصْدَرٌ مِمِّيٌّ حَمَلُهُ عَلَى حُسْنِ الْخُلُقِ، كَمَا حَمَلَ سَائِرَ الْمَصَادِرِ السَّابِقَةِ عَلَى سَائِرِ الصِّفَاتِ مُبَالِغَةً، أَوْ اسْمٌ مَكَانٍ. وَ الْأَوَّلُ أَوْفَقٌ بِنِظَائِرِهِ» (نائینی، ۱۳۸۲ش، ۷۹).

یکسانی عبارت «وَ الْأَوَّلُ أَوْفَقٌ بِنِظَائِرِهِ» در کلام میرزا و مجلسی این احتمال را تقویت می‌کند که مجلسی در توضیحی که ارائه کرده به کلام میرزا توجه داشته است. نکته شایان ذکر این که ممکن است مراد از «نظائر» در کلام مجلسی برای برخی خوانندگان مبهم به نظر برسد اما با مراجعه به کلام میرزا روشن می‌شود که مراد از آن سایر مصادری است که پیش از این در این روایت بر دیگر صفات حمل شده‌اند. بنابراین شناخت منابع مرآة العقول در تصحیح آن و فهم بهتر مطالبی که از دیگر منابع نقل کرده دارای اهمیت است.

۳. تبیین معنای واژگان

مجلسی در موارد متعددی به نقل توضیحات لغوی میرزا رفیعا پرداخته است. مجلسی در توضیح واژه «نکراء» در یکی از روایات می‌گوید: «يَعْنِي الدَّهَاءَ وَ الْفِطْنَةَ، وَ هِيَ جَوْدَةٌ الرَّأْيِ وَ حُسْنُ الْفَهْمِ، وَ إِذَا اسْتُعْمِلَتْ فِي مُشْتَهَاتِ جُنُودِ الْجَهْلِ يُقَالُ لَهَا الشَّيْطَانَةُ وَ نَبَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهِ بِقَوْلِهِ: تِلْكَ الشَّيْطَانَةُ بَعْدَ قَوْلِهِ: تِلْكَ النَّكْرَاءُ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۳۳). مجلسی این توضیحات را بدون این که به منبعی ارجاع دهد بیان می‌کند؛ این توضیحات بیانات میرزا رفیعا با همان الفاظ وی هستند (قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۴۶). برخی شارحان همچون میرزا رفیعا «نکراء» را به معنای زیرکی (میرداماد، ۱۴۰۳ق، ۲۲؛ جیلانی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۱۲۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۷۹) دانسته‌اند، اما برخی دیگر معنای آن را امر منکر (شریف شیرازی، ۱۴۳۰ق، ۴۴؛ مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ۱: ۸۱؛ قزوینی، الشافی، ۱: ۱۶۹) و بلا (قزوینی، صافی، ۱: ۱۸۵-۱۸۶؛ همو، الشافی، ۱: ۱۶۹) دانسته‌اند. مجلسی در معنای این واژه از میرزا رفیعا تبعیت کرده و به ذکر توضیحات وی پرداخته است.

نمونه دیگر مربوط به فراز «إِنَّ الْكَيْسَ لَدَى الْحَقِّ يَسِيرٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۶). مجلسی با تعبیر «قَالَ بَعْضُ الْأَفَاضِلِ» که مراد میرزا رفیعا است، به تبیین معنای

«کیس» و «یسیر» و شرح فراز مذکور پرداخته است؛ بنابر آنچه مجلسی از وی نقل کرده است «کیس» و «کیاسه» به معنای زیرک شدن و «کیس» به معنای به زیرکی غلبه کردن است. یک احتمال این است که «یسیر» به معنای اندک باشد و «کیس» به معنای اول باشد، احتمال دوم این است که «یسیر» به معنای آسان باشد و «کیس» به یکی از دو معنای ذکر شده باشد، بنابراین مراد از فراز مذکور این است که هنگام ظاهر شدن حق، ادراک و معرفت آن با زیرکی آسان است یا مراد این است که هنگام حق‌گویی و اقرار به آن با زیرکی غلبه کردن آسان است. احتمال دیگر آن است که «کیس» با تشدید یاء و به این معنا باشد که فرد زیرک و صاحب کیاستی که هنگام آشکار شدن حق زیرکی کند و به حق اقرار کند اندک است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۵۵).

مجلسی این مطالب را از میرزا نقل کرده است (قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۵۲). مجلسی البته به این مطالب میرزا اکتفا نکرده و احتمال فعل بودن «یسیر» را نیز مطرح کرده است. همچنین وی تبیین دیگری از فراز مذکور را از دیگران نقل کرده است. علاوه بر اینها وی به این‌که در برخی نسخه‌ها «اسیر» به جای «یسیر» به کار رفته و همچنین در برخی نسخه‌ها «لذی الحق» نگاشته شده توجه داده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۵۵). شریف شیرازی (۱۴۳۰ق، ۷۱) و ملاخلیل قزوینی (الشافی، ۱: ۲۱۷) برای «یسیر» معنای ذلیل را نیز ذکر کرده‌اند اما مجلسی اهمت‌امی به ذکر این معنا نداشته است. نمونه دیگر؛ مجلسی در توضیح واژگان «غطاء»، «ستیر»، «فضل» و «جمال» بدون اینکه اشاره کند از میرزا رفیعا نقل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۶۵؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۵۹). البته در توضیح معنای «الستیر»، نائینی فقط به معنای مستور اشاره کرده اما مجلسی علاوه بر آن معنای ساتر را نیز ذکر کرده است، همچنین مجلسی در توضیح «الفضل» معنای «خصوص الاحسان الی الخلق» را نیز به کلام نائینی افزوده است. مجلسی در ادامه توضیحاتی درباره روایت آورده است که آن هم در واقع منقول از میرزا است.

نمونه دیگر؛ مجلسی در مورد معنای «جند» و این‌که چرا در روایت به هریک از آن هفتاد و پنج امر «جند» اطلاق شده از میرزا رفیعا نقل کرده است، چنان‌که یکسانی عبارات آن‌ها از این امر حکایت می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۶۷؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۶۱).

نمونه دیگر؛ در فرازی از حدیث چهاردهم کتاب العقل و الجهل آمده است: «الرَّافَةُ وَ ضِدَّهَا الْقَسْوَةُ وَ الرَّحْمَةُ وَ ضِدَّهَا الْغَضَبُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۱). مجلسی معتقد است

به دلیل نزدیکی معنای رحمہ به معنای رأفہ محتمل است کہ واژه رحمہ تکرار شدہ باشد. همچنین احتمال دارد کہ منظور از رأفہ حالت و منظور از رحمہ نتیجہ آن باشد؛ یعنی رأفت حالتی باشد کہ نتیجہ اش رحمت است. مجلسی در ادامہ با تعبیر «قَالَ بَعْضُ الْأَفْاضِلِ» کہ مراد میرزا رفیعاً است، بہ نقل تبیین «رأفہ» و «رحمہ» می‌پردازد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۶۹؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۶۲).

نمونہ دیگر؛ مجلسی ظاہراً توضیح «رفق» را از میرزا رفیعاً نقل کردہ است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۶۹؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۶۳).

نمونہ دیگر؛ مجلسی در روایتی «استسلام» را بہ معنای اطاعت از امر و نہی‌های خدا و «تسلیم» را بہ معنای اطاعت از ائمہ حق و اذعان بہ آنچه از آن‌ها صادر می‌شود و پذیرفتنش دشوار است دانستہ است. مجلسی همچنین در این بارہ بہ نقل قول دیگری از «بعض الأفاضل» کہ مراد میرزا رفیعاً است، می‌پردازد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۷۰؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۶۳).

نمونہ دیگر؛ در فرازی از حدیث چہاردهم کتاب العقل و الجہل آمدہ است: «الْقُنُوعُ وَ ضِدُّهُ الْحِرْصُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۲). مجلسی دربارہ قنوع و حرص چنین آورده است: «الْقُنُوعُ: هُوَ الرِّضَا بِالْكَفَافِ وَ عَدَمُ طَلْبِ الزِّيَادَةِ، وَ لَمَّا كَانَ الْحِرْصُ زِيَادَةَ السَّعْيِ فِي الطَّلَبِ، وَ يَسْتَمِلُ عَلَى شَيْئَيْنِ الْإِفْرَاطِ فِي الطَّلَبِ، وَ الْإِعْتِمَادِ عَلَى الطَّلَبِ الَّذِي يُلَازِمُهُ جَعَلَهُ بِاعْتِبَارِ اشْتِمَالِهِ عَلَى الْأَوَّلِ مُقَابِلَ الْقُنُوعِ، وَ بِاعْتِبَارِ اشْتِمَالِهِ عَلَى الثَّانِي مُقَابِلَ التَّوَكُّلِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۷۰). مجلسی این مطالب را از میرزا رفیعاً نقل کردہ است (قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۶۴).

نمونہ دیگر؛ در فرازی از حدیث چہاردهم کتاب العقل و الجہل آمدہ است: «الْمَوَدَّةُ وَ ضِدُّهَا الْعَدَاوَةُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۲). مجلسی در توضیح «مودہ» و «عداوہ» می‌گوید: «قِيلَ هِيَ الْإِيْتَانُ بِمُقْتَضِيَاتِ الْمَحَبَّةِ وَ الْأُمُورِ الدَّالَّةِ عَلَيْهَا وَ مُقَابِلَهَا الْعَدَاوَةُ، وَ هِيَ الْإِيْتَانُ بِمُقْتَضِيَاتِ الْمُبَاغَضَةِ، وَ فِعْلٌ مَا يَتَّبِعُهَا» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۷۰). مجلسی در این جا با تعبیر قیل از میرزا رفیعاً نقل کردہ است (قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۶۴).

مجلسی در ادامہ دربارہ این توضیحات احتمال می‌دهد کہ گویندہ تنها برای فرق گذاشتن بین مودہ و عداوہ با حب و بغض - کہ آن‌ها ہم بہ عنوان متضاد در همین روایت ذکر شدہ‌اند - این گونه توضیح دادہ است. مجلسی احتمال می‌دهد کہ فرق میان آن‌ها بہ تخصیص یکی از آن‌ها بہ خالق و دیگری بہ مخلوقات یا بہ تخصیص یکی از آن‌ها بہ اشخاص و دیگری بہ اعمال باشد. مجلسی همچنین محتمل می‌داند کہ یکی از آن‌ها (مودہ

و عداوه یا حب و بغض) تکرار شده باشند و اختلاف معنایی نداشته باشند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۷۰-۷۱).

نمونه دیگر؛ مجلسی توضیح «خضوع» و «تطاول» را از میرزا رفیعا نقل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۷۱؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۶۴).

نمونه دیگر؛ مجلسی ظاهراً توضیح واژگان «حباء» و «ادب» را از میرزا رفیعا نقل کرده؛ خصوصاً که توضیحاتی که مجلسی در ادامه آورده است منقول از میرزا رفیعا است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۷۷؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۷۰-۷۱).

نمونه دیگر؛ مجلسی در توضیح «خلق» می‌گوید: «الْخُلُقُ بِالضَّمِّ وَبِضَمَّتَيْنِ: الْهَيْئَةُ الْحَاصِلَةُ لِلنَّفْسِ بِصِفَاتِهَا، وَ يُقَالُ لَهَا السَّجِيَّةُ، وَ يَدُلُّ عَلَيْهَا الْأَثَارُ وَ الْأَفْعَالُ الدَّالَّةُ عَلَيْهَا تَسْمِيَةً لِلدَّلَالِ بِاسْمِ الْمَدْلُولِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۷۷). مجلسی این توضیحات را از میرزا رفیعا نقل کرده است (نائینی، ۱۳۸۲ش، ۷۰). البته چنان‌که پیشتر گفتیم در متن مرآه افتادگی وجود دارد. مجلسی همچنین پس از ذکر توضیحات میرزا رفیعا به این‌که «خلق» غالباً بر حسن معاشرت اطلاق می‌شود توجه داده است.

نمونه دیگر؛ مجلسی در توضیح «فلاح» می‌گوید: «الْفَلَاحُ: الْفَوْرُ وَ النَّجَاةُ». آنچه که نشان می‌دهد مجلسی این مطلب را از میرزا رفیعا نقل کرده است این است که در ادامه مجلسی به نقل توضیحاتی می‌پردازد که میرزا در حاشیه‌اش ذکر کرده است؛ البته احتمالات دیگری نیز به سخن میرزا افزوده است. مجلسی همچنین در توضیح «سَوْفَ يَنْجِبُ» می‌گوید: «النَّجِيبُ: الْفَاضِلُ النَّفِيسُ فِي نَوْعِهِ، وَ الْمُرَادُ أَنَّهُ مَنْ يَكُونُ ذَا فَهْمٍ فَهُوَ قَرِيبٌ مِنْ أَنْ يَصِيرَ عَالِمًا، وَ مَنْ صَارَ عَالِمًا فَقَرِيبٌ مِنْ أَنْ يَسْتَوْلِيَ عَقْلَهُ عَلَى هَوَى نَفْسِهِ» این مطالب نیز منقول از میرزا رفیعا است. مجلسی در توضیح «الْعِلْمُ جُنَّةٌ» چنین آورده است: «أَيِ وَقَايَةِ مِنْ غَلْبَةِ الْقُوَى الشَّهْوَانِيَّةِ وَ الْغَضَبِيَّةِ وَ الدَّوَاعِي النَّفْسَانِيَّةِ وَ مِنْ أَنْ يَلْتَبَسَ عَلَيْهِ الْأَمْرُ وَ تَدْخُلَ عَلَيْهِ الشُّبُهَةُ» این مطالب نیز از میرزا نقل شده‌اند؛ البته مجلسی در ادامه وجه دیگری در توضیح «الْعِلْمُ جُنَّةٌ» نیز افزوده است.

مجلسی در توضیح «الصَّدَقُ عِزٌّ» می‌نگارد: «أَيِ شَرَفٌ أَوْ قُوَّةٌ وَ غَلْبَةٌ، وَ قِيلَ: الْمُرَادُ بِالصَّدَقِ هُنَا الصَّدَقُ فِي الْإِعْتِقَادِ وَ لِذَا قَابَلَهُ بِالْجَهْلِ، فَإِنَّ الْإِعْتِقَادَ الْكَاذِبَ جَهْلٌ، كَمَا أَنَّ الْإِعْتِقَادَ الصَّادِقَ عِلْمٌ». تعبیر «قیل» اشاره به میرزا رفیعا دارد، البته فراز «أَيِ شَرَفٌ أَوْ قُوَّةٌ وَ غَلْبَةٌ» نیز منقول از میرزا است که مجلسی به وی ارجاع نداده است. مجلسی در توضیح «مجدد» می‌گوید: «الْمَجْدُ نَيْلُ الشَّرَفِ وَ الْكِرَامِ» و در توضیح «نجاح» می‌نگارد: «النُّجْحُ بِالضَّمِّ: الطَّفَرُ بِالْحَوَائِجِ». این توضیحات نیز منقول میرزا رفیعا است (مجلسی،

۱۴۰۴ق، ۱: ۸۵-۸۶؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۷۸-۷۹).

نمونه دیگر؛ مجلسی در توضیح واژه «ختور» می‌گوید: «هُوَ مِنَ الْخَتْرِ بِمَعْنَى الْمَكْرِ وَالْخَدِيعَةِ، وَقِيلَ: بِمَعْنَى خِبَايَةِ النَّفْسِ وَفَسَادِهَا، قَالَ الْفَيْرُوزِآبَادِيُّ: الْخَتْرُ: الْغَدْرُ وَالْخَدِيعَةُ، وَخَتَرَتْ نَفْسُهُ خَبَيْتٌ وَفَسَدَتْ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۹۰). ظاهراً مجلسی با تعبیر «قیل» به میرزای نائینی اشاره دارد. معنای قبل از آن نیز ظاهراً به نقل از میرزا است (قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۸۲). نقل از فیروزآبادی در حاشیه میرزا نیست و مجلسی برای مستند کردن دو معنایی که ذکر کرده آن را آورده است.

نمونه دیگر؛ مجلسی پس از توضیح «خاطر» با تعبیر «کذا قیل» که در انتهای مطلب ذکر کرده به میرزا رفیعا ارجاع داده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۴۸؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۵۱).

نمونه دیگر؛ در فرازی از یکی از روایات آمده است: «تَحْتَ الْجِلْدِ الرَّقِيقِ ذَهَبَةٌ مَائِعَةٌ وَفِصَّةٌ ذَائِبَةٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۸۰). در این عبارت برای طلا از صفت «مائعه» و برای نقره از صفت «ذائبه» استفاده شده است. مجلسی در توضیح این صفات می‌گوید: «الذَّوْبُ ضِدُّ الْجُمُودِ وَيُقَارَبُهُ الْمَيْعَانُ... فَلِذَا خَصَّ الذَّوْبَ بِهَا» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۶۹). این مطالب از میرزا رفیعا نقل شده است (نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۶۱).

نمونه دیگر؛ مجلسی در توضیح «یُعَانِي الْأَشْيَاءَ» می‌گوید: «مُعَانَاةُ الشَّيْءِ مُلَابَسَتُهُ وَ مُبَاشَرَتُهُ، وَ تَحْمُلُ التَّعَبِ فِي فِعْلِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۹۴). ظاهراً مجلسی این توضیح را از میرزا رفیعا نقل کرده است بخصوص که ادامه توضیحات مجلسی نیز منقول از میرزا است (نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۸۰).

روشن است که مجلسی در تبیین معنای واژگان، فراوان از میرزا رفیعا بهره برده است. البته مجلسی در برخی موارد علاوه بر کلام میرزا به برخی وجوه دیگر نیز توجه داده است. شایان ذکر است نقل معنای واژگان از میرزا به این معنا نیست که مجلسی معنای این واژگان را نمی‌دانسته یا توانایی مراجعه به منابع لغت را نداشته است بلکه محتمل است که مجلسی به دلایلی همچون صرفه‌جویی در وقت به نقل کلام میرزا پرداخته باشد.

۴. بحث‌های صرفی، نحوی و بلاغی

مجلسی در بحث‌های صرفی، نحوی و بلاغی از میرزا بهره برده است. نخست به مباحث صرفی می‌پردازیم. مجلسی در توضیح «فَلَا تُبَاهَوْا بِهِ» می‌گوید: «مِنَ الْمُبَاهَاةِ بِمَعْنَى

الْمُفَاخِرَةَ، وَقَالَ بَعْضُ الْأَفْضَالِ: يَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمَهْمُوزِ فَخُفِّفَ، أَيْ لَا تُؤَانِسُوا بِهِ حَتَّى تَنْظُرُوا كَيْفَ عَقَلُهُ، قَالَ الْجَوْهَرِيُّ بَهَاتٌ بِالرَّجْلِ وَبَهَتْ بِهِ بِالْفَتْحِ وَ الْكَسْرِ بِهَاءٍ وَ بِهِوَءٍ: أُنِسَتْ بِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۸۵). مجلسی برای واژه مورد نظر دو ریشه را محتمل دانسته و طبق هر یک از آن‌ها معنای واژه را بیان کرده است. مجلسی احتمال دوم را به «بَعْضُ الْأَفْضَالِ» که ظاهراً مراد میرزا رفیعا است، نسبت داده است هرچند احتمال نخست نیز با همین الفاظ در حاشیه میرزا رفیعا وجود دارد (قس، نائینی، ۱۳۸۲ش، ۷۷). نکته دیگر این‌که در حاشیه میرزا به جوهری استناد داده نشده اما مجلسی ترجیح داده است احتمال دوم را با ارجاع به جوهری مستند کند.

نمونه دیگر؛ مجلسی در توضیح «مَجْلَبَةٌ» در عبارت «حُسْنُ الْخُلُقِ مَجْلَبَةٌ لِلْمَوَدَّةِ» سه احتمال را ذکر کرده است: ۱. مصدر میمی و برای مبالغه باشد. ۲. اسم مکان باشد ۳. اسم آلت باشد. مجلسی احتمال نخست را بانظایر آن در روایت مورد نظر سازگارتر شمرده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۸۶). میرزا رفیعا برای این واژه دو وجه را محتمل شمرده است: ۱. مصدر میمی و برای مبالغه باشد. ۲. اسم مکان باشد. وی نیز احتمال نخست را با نظایر آن در روایت مورد نظر سازگارتر دانسته است. وی می‌گوید: «الْمَجْلَبَةُ إِمَّا مَصْدَرٌ مِمِّيٌّ حَمَلَهُ عَلَى حُسْنِ الْخُلُقِ، كَمَا حَمَلَ سَائِرَ الْمَصَادِرِ السَّابِقَةِ عَلَى سَائِرِ الصِّفَاتِ مُبَالِغَةً، أَوْ اسْمٌ مَكَانٍ. وَ الْأَوَّلُ أَوْفَقُ بِنِظَائِرِهِ» (نائینی، ۱۳۸۲ش، ۷۷). یک‌سانی عبارت «وَ الْأَوَّلُ أَوْفَقُ بِنِظَائِرِهِ» در کلام میرزا و مجلسی این احتمال را تقویت می‌کند که مجلسی در توضیحی که ارائه کرده به کلام میرزا توجه داشته است.

نمونه دیگر: مجلسی «مَسَاءَةٌ» را در عبارت «الْحَزْمُ مَسَاءَةٌ الظَّنِّ» مصدر میمی دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۸۷). احتمالاً مجلسی در نقل این توضیح به کلام میرزا رفیعا نظر داشته، زیرا مطلبی که قبل و بعد از این عبارت در مرآة العقول آمده است در کلام میرزا موجود است (نائینی، ۱۳۸۲ش، ۸۰).

نمونه دیگر؛ مجلسی در یکی از روایات دو وجه برای «ها» ذکر کرده است؛ وجه نخست این‌که «ها» حرف تنبیه و اشاره به سکوت داشته باشد. وجه دوم-که با تعبیر «قیل» و منقول از میرزا رفیعا است- این‌که «ها» اسم فعل به معنای خذ (بگیر) باشد و معنای روایت این باشد که هنگام مواجه شدن با آنچه نمی‌دانید آن را از دهان ما اخذ کنید. مجلسی وجه نخست را اظهر دانسته و بر وجه منقول از میرزا ترجیح داده است. همچنین در کلام منقول از میرزا به این‌که حرف باء در بیده برای تعدیه به کار رفته، اشاره شده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۹۶؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۰۲).

نمونه دیگر؛ مجلسی درباره فعل «عرفناه» در یکی از روایات، دو احتمال مجرد و مزید از باب تفعیل بودن را مطرح کرده و طبق این دو احتمال، روایت را تبیین کرده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۳۱۸). این توضیح و مطالب پیش از آن منقول از میرزا رفیعا است (قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۵۶۲). البته میرزا این دو احتمال را یکسان مطرح کرده و هیچ کدام را بر دیگری ترجیح نداده اما مجلسی با اشاره به اینکه ظاهراً این فعل مجرد است وجه نخست را ترجیح داده است.

نمونه دیگر؛ مجلسی فعل «بعید» در یکی از روایات را معلوم شمرده و در ادامه با تعبیر «قیل» به این که احتمال مجهول بودن آن نیز مطرح شده توجه داده و آن را بعید شمرده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۲۵). با توجه به این که احتمال مجهول بودن این فعل علاوه بر شرح میرزا رفیعا (نائینی، ۱۳۸۲ش، ۱۲۰) در برخی شروح دیگر همچون شرح ملاصالح مازندرانی (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ۲: ۱۰۳) نیز مطرح شده است نمی توان با قطعیت تعبیر «قیل» را اشاره به میرزا دانست اما می توان احتمال داد که مجلسی به میرزا و جز او نظر داشته است. در هر صورت مجلسی این احتمال میرزا را نپذیرفته و آن را بعید شمرده و ابایی از مخالفت با وی نداشته است.

نمونه دیگر؛ مجلسی درباره فعل «تعمد» در یکی از روایات با تعبیر «قیل» دو احتمال مجرد و مزید از باب افعال بودن را از دیگران نقل کرده است. وی می گوید: «قیل: یَجُورُ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُجَرَّدِ يُقَالُ: عَمَدَتِ الشَّيْءُ فَانْعَمَدَ، أَي أَقَمْتَهُ بِعِمَادٍ مُعْتَمِدٍ عَلَيْهِ، أَوْ مِنْ بَابِ الْأَفْعَالِ يُقَالُ أَعْمَدْتُهُ أَي جَعَلْتِ تَحْتَهُ عِمَاداً، وَ الْمَعْنَى فِي الصَّوَرَتَيْنِ أَفْتَضَمْتُ إِلَيْهِ شَيْئاً مِنْ عِنْدِكَ تَقِيْمُهُ وَ تَصْلِحُهُ بِهِ، كَمَا يُقَامُ الشَّيْءُ بِعِمَادٍ يُعْتَمَدُ عَلَيْهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۷۵).

این مطالب، سخنان میرزا در حاشیه وی هستند (نائینی، ۱۳۸۲ش، ۱۸۲). ملاصالح مازندرانی نیز این مطالب را در شرحش آورده است (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ۲: ۲۵۸). مجلسی در واقع این مطالب میرزا را از ملاصالح نقل کرده است حتی تعبیر «قیل» نیز در کلام ملاصالح وجود دارد؛ مؤید این که مجلسی این مطالب را از ملاصالح نقل کرده این است که مجلسی مطالب پیش از این مطلب را نیز از ملاصالح نقل کرده است و همچنین کلمات «فَانْعَمَدَ» و «مُعْتَمِدٍ عَلَيْهِ» در کلام میرزا نیست ولی در نقل مجلسی و ملاصالح هست، احتمالاً ملاصالح این کلمات را با مراجعه به کتاب لغت صحاح جوهری که این اضافات را دارد افزوده است (جوهری، ۱۴۰۷ق، ۲: ۵۱۲). همچنین در کلام میرزا به جای «و الْمَعْنَى فِي الصَّوَرَتَيْنِ» که در کلام مجلسی و ملاصالح آمده تعبیر «و

يَكُونُ الْمَعْنَى» بدون اضافه «فِي الصُّورَتَيْنِ» آمده است یعنی هر چند معنا یکسان است اما الفاظ مجلسی و ملاصالح کمی متفاوت شده و مجلسی از ملاصالح پیروی کرده است. البته مجلسی ممکن است این مطلب را در حاشیه میرزا دیده باشد اما ترجیح داده باشد آن‌ها را از ملاصالح نقل کند.

روشن است که مجلسی حتی در بحث‌های صرفی از میرزا بهره برده است. البته مجلسی گاهی دو احتمال از میرزا نقل کرده و یکی از آن‌ها را ترجیح داده و گاهی برخی وجوه را بر قول میرزا رجحان داده و گاهی قول میرزا را بعید شمرده است. این امر نشانگر این است که مجلسی صرفاً نقال نبوده و برای خود حق اظهار نظر قائل بوده است.

اما مباحث نحوی؛ مجلسی درباره «باطناً» در یکی از روایات، دو احتمال مصدر و تمیز بودن را مطرح کرده است؛ «باطناً إِمَّا بِمَعْنَى الْمَصْدَرِ كَقَوْلِكَ قُمْتَ قَائِماً، أَوْ تَمِيزُ مِنْ يَتَرَوِّحُ، أَي كَوْنُهُ رَوْحاً صِرْفاً، مِنْ جِهَةِ أَنَّهُ بَاطِنٌ مَخْفِيٌّ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۴۶). مجلسی این مطالب را از میرزا رفیعا نقل کرده است (نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۴۹). البته مجلسی در ادامه احتمالات دیگری را نیز مطرح کرده و به این که شاید احتمال حالیه بودن اظهر باشد توجه داده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۴۶).

نمونه دیگر؛ مجلسی در توضیح نحوی نعت، الله و الرحمن در یکی از روایات می‌گوید: «فَقَوْلُهُ: وَ نَعْتٌ، مُبْتَدَأٌ مُضَافٌ إِلَى قَوْلِهِ هَذِهِ، وَ خَبَرُهُ الْحُرُوفُ، وَ الْمَعْنَى أَنَّ نَعْتَ هَذِهِ الْحُرُوفِ الَّتِي فِي اللَّهِ وَ رَبِّ، إِنَّهَا حُرُوفٌ، وَ أَنَّهَا أَلْفٌ، لَمْ، هَاءٌ، رَاءٌ، بَاءٌ، وَ هُوَ أَي الْمَقْصُودُ إِثْبَاتُهُ الْمَعْنَى سُمِّيَ بِهِ أَي سُمِّيَ الْمَعْنَى بِالْأَسْمِ الَّذِي هُوَ هَذِهِ الْحُرُوفُ، فَتَذَكِيرُ الصَّمِيرِ بِاعْتِبَارِ الْأَسْمِ، وَ قَوْلُهُ: اللَّهُ وَ الرَّحْمَنُ، مُبْتَدَأٌ خَبَرَهُ مِنْ أَسْمَائِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۸۷). مجلسی این مطالب را از میرزا رفیعا نقل کرده است (قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۷۵-۲۷۶). البته مجلسی در ادامه وجوه دیگری را نیز مطرح کرده است.

نمونه دیگر؛ مجلسی در توضیح نحوی عبارت «فَقَدْ بَانَ لَنَا بِإِقْرَارِ الْعَامَّةِ مُعْجِزَةُ الصِّفَةِ أَنَّهُ لَا شَيْءَ قَبْلَ اللَّهِ وَ لَا شَيْءَ مَعَ اللَّهِ فِي بَقَائِهِ» می‌گوید: «و قَالَ بَعْضُ الْأَفْضَالِ: الْمُرَادُ بِقَوْلِهِ: إِقْرَارِ الْعَامَّةِ إِذْعَانُهُمْ، أَوْ الْإِثْبَاتُ، وَ عَلَى الْأَوَّلِ مُتَعَلِّقُ الْإِذْعَانِ إِمَّا مُعْجِزَةُ الصِّفَةِ بِحَذْفِ الصَّلَةِ، أَوْ مَحْذُوفٌ، أَي إِقْرَارُ الْعَامَّةِ بِأَنَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ مُعْجِزَةُ الصِّفَةِ صِفَةٌ لِلْإِقْرَارِ، أَوْ بَدَلٌ عَنْهُ أَي إِقْرَارُ الْعَامَّةِ بِأَنَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ مُعْجِزَةُ الصِّفَةِ، أَي صِفَةُ الْخَالِقِيَّةِ لِكُلِّ شَيْءٍ، أَوْ صِفَةُ الْقِدَمِ، لَا يَسَعُ أَحَدًا أَنْ يَنْكَرَهُ، وَ أَمَّا عَلَى الثَّانِي فَمُعْجِزَةُ الصِّفَةِ مِنْ إِضَافَةِ الصِّفَةِ إِلَى الْمَوْصُوفِ، أَي الصِّفَةُ الَّتِي هِيَ مُعْجِزَةُ لَهُمْ عَنْ أَنْ لَا يُثْبِتُوا لَهُ خَالِقِيَّةَ كُلِّ شَيْءٍ أَوْ الْمُعْجِزَةُ بِمَعْنَاةِ الْمُتَعَارَفِ وَ الْإِضَافَةُ لِأَمِيَّةٍ، أَي إِثْبَاتُهُمُ الْخَالِقِيَّةَ

لِلْكَلِّ مُعْجِزَةٌ هَذِهِ الصِّفَةُ، حَيْثُ لَا يَسَعُهُمْ أَنْ يُكْرِهَوا وَإِنْ أَرَادُوا الْإِنْكَارَ، وَ يَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ مُعْجِزَةُ الصِّفَةِ فَاعِلٌ بَانَ وَ يَكُونُ قَوْلُهُ: أَنَّهُ لَا شَيْءَ قَبْلَ اللَّهِ، بَيَاناً أَوْ بَدَلاً لِمُعْجِزَةِ الصِّفَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۵۴-۵۵). مراد از «بعض الافاضل» میرزا رفیعا است و این مطالب از وی نقل شده است (قس، نائینی، ۱۳۸۲ش، ۴۰۵). البته مجلسی پیش از نقل از میرزا به برخی وجوه دیگر نیز اشاره کرده است.

بنابراین مجلسی در مباحث نحوی علاوه بر قول میرزا به برخی وجوه دیگر اشاره کرده است و گاهی احتمال رجحان برخی وجوه را بر وجه میرزا مطرح کرده است، این امر نشان می‌دهد که مجلسی در این‌گونه مباحث نیز در کنار توجه به قول میرزا از دیگر وجوه نیز غافل نیست و همچنین برای خود حق اظهار نظر قائل است.

اما مباحث بلاغی؛ مجلسی در یکی از روایات با تعبیر «كَذَا قَيْلٌ» از دیگران نقل کرده که کلمه «لی» در آن روایت به اعتبار تضمین معنی ثبوت یا مانند آن به کار رفته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۹۲). تعبیر «قیل» اشاره به میرزا رفیعا است (قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۸۴) چنان‌که مطلب پیش از این توضیح نیز منقول از میرزا است. مجلسی البته پس از این توضیح میرزا به احتمال دیگری نیز اشاره کرده و پس از آن نیز دوباره به نقل سخنان میرزا پرداخته است.

نمونه دیگر؛ مجلسی به تضمین معنی شیوع در «بَيْنَهُمْ» در یکی از روایات توجه داده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۰۷). احتمالاً مجلسی این مطلب را از میرزا رفیعا نقل کرده است (قس، نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۱۱).

نمونه دیگر؛ مجلسی در توضیح یکی از روایات به این‌که توهم برای تضمین معنی کذب و افترا با حرف علی متعدی شده توجه داده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۴۵). ظاهراً این توضیح منقول از میرزا رفیعا است (قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۴۸).

نمونه دیگر؛ مجلسی حرف «الی» در یکی از روایات را به معنای لام یا مین دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۹۱). ظاهراً این مطلب منقول از میرزا رفیعا است (قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۷۷).

۵. تصحیف و اختلاف نسخه‌ها

مجلسی به این‌که واژه «تستعلقها» در برخی نسخه‌ها به صورت «تَسْتَقْلِقُها» و در برخی دیگر به صورت «تَسْتَعْلِقُها» به کار رفته اشاره کرده و به توضیح هریک از آن‌ها پرداخته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۷۷). با توجه به شباهت توضیحی که مجلسی برای هریک

از این موارد آورده با توضیحی که میرزا رفیعا ارائه کرده (قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۷۰) و این که توضیحاتی که مجلسی پیش از این مطالب ذکر کرده نیز منقول از میرزا است محتمل است که مجلسی این اختلاف نسخه‌ها را از میرزا نقل کرده باشد. نکته شایان ذکر دیگر اینکه میرزا وجه «تَسْتَلْقُهَا» را اصل قرار داده و سپس به این که وجوه دیگری در دیگر نسخه‌ها وجود دارد اشاره کرده اما مجلسی وجه «تَسْتَعْلِقُهَا» را اصل قرار داده است؛ به عبارت دیگر هر چند محتمل است مجلسی اختلاف نسخه‌ها را از میرزا نقل کرده باشد اما در این که کدام وجه را اصل قرار دهد از میرزا پیروی نکرده است.

نمونه دیگر؛ مجلسی در روایتی «تَقُولُونَ» را به صیغه خطاب دانسته و در ادامه به این که «بَعْضُ الْأَفْضِلِ» آن را به صیغه غیبت خوانده‌اند توجه داده و توضیح «بَعْضُ الْأَفْضِلِ» را بنا بر این وجه نقل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۰۹). مراد از «بعض الافاضل» میرزا رفیعا است (نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۱۳).

نمونه دیگر؛ مجلسی در توضیح روایتی به این که در برخی نسخه‌ها «أَقْرَبُ مَا تَكُونُ» با لفظ خطاب به کار رفته اشاره کرده و طبق آن عبارت را تبیین کرده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۲۷۶). مجلسی این اختلاف نسخه و تبیین آن را از میرزا رفیعا نقل کرده است (قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۵۳۵). مطالبی را نیز که مجلسی پیش از این مطلب آورده است منقول از میرزا است و این امر شاهد دیگری است بر این که مجلسی اختلاف نسخه را از میرزا نقل کرده است.

نمونه دیگر؛ مجلسی در روایتی تعبیر «يُسَدِّدُهُ» را اصل قرار داده و طبق آن عبارت را توضیح داده و سپس به این که در برخی نسخه‌ها «يُسَدِّدُهُ» آمده توجه داده و عبارت را طبق این وجه تبیین کرده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۰۸). مجلسی توضیحاتی را که در تبیین هریک از این دو وجه آورده از میرزا رفیعا نقل کرده است و بعید نیست در ذکر اختلاف نسخه‌ها نیز متأثر از میرزا باشد (قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۱۰۱). البته مجلسی «يُسَدِّدُهُ» را اصل قرار داده و میرزا «يُسَدِّدُهُ» را؛ به عبارت دیگر مجلسی در اصل قرار دادن «يُسَدِّدُهُ» از میرزا پیروی نکرده است.

نمونه دیگر؛ مجلسی در روایتی «جَلَاؤُهُ الْحَدِيدُ» را اصل قرار داده و به این که در برخی نسخه‌ها «جَلَاؤُهَا الْحَدِيثُ» آمده توجه داده و آن را اظهر شمرده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۳۲). میرزا نیز «الحديد» را اصل قرار داده و به این که در برخی نسخه‌ها به جای آن «الحديث» به کار رفته اشاره کرده است (نائینی، ۱۳۸۲ش، ۱۲۸). احتمالاً مجلسی این اختلاف نسخه را از میرزا نقل کرده؛ زیرا مجلسی مطالب پیش از این

مطلب را از میرزا نقل کرده است. البته میرزا وجه اظهار را مشخص نکرده؛ اما مجلسی آن را مشخص کرده است. نکته شایان توجه دیگر این که مجلسی با این که «الحديث» را وجه اظهار می دانسته؛ اما همچون میرزا آن را اصل قرار نداده است.

نمونه دیگر؛ مجلسی در توضیح یکی از روایات اشاره کرده است به این که در برخی نسخه‌ها «یُسَخَى» که فعل مزید و از باب تفعیل است به کار رفته و در برخی دیگر فعل «تَسَخَى» که مجرد است آمده است. وی سپس بر طبق هر یک از این دو نسخه توضیحاتی نحوی ارائه داده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۲۶-۱۲۷). ظاهراً مجلسی این مطالب را از میرزا رفیعا نقل کرده است (قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۱۲۲).

نمونه دیگر؛ مجلسی در روایتی به این که در بیشتر نسخه‌ها یجتاز به کار رفته اشاره کرده و به این که در برخی نسخه‌ها «یَحْتَاژُ» و در برخی دیگر «یَخْتَاژُ» آمده توجه داده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۰۷). میرزا رفیعا «یَخْتَاژُ» را اصل قرار داده و به این که در برخی نسخه‌ها «یَحْتَاژُ» آمده اشاره کرده و از وجه «یَحْتَاژُ» سخنی به میان نیاورده است (نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۱). نمی توان با اطمینان گفت که مجلسی در این جا برخی اختلاف نسخه‌ها را از میرزا نقل کرده؛ اما اینکه مجلسی «یَجْتَاژُ» را اصل قرار داده و در این مورد از میرزا پیروی نکرده است قابل توجه است.

نمونه دیگر؛ مجلسی به این که در عبارت «حَيْهُٔهُمْ أَعْمَى نَجِسٌ» واژه «نجس» در برخی نسخه‌ها به صورت «نحس» آمده است و چه بسا این واژه به صورت «بخس» خوانده می شود اشاره کرده و وجه اخیر را تصحیف شمرده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۰۷). میرزا رفیعا این واژه را به صورت «بخس» آورده و به اختلاف نسخه‌ها اشاره نکرده است (نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۱۲). نمی توان گفت که مجلسی این وجه را از میرزا نقل کرده؛ اما این که مجلسی وجهی را که میرزا آورده است را تصحیف شمرده و در این باره از میرزا پیروی نکرده است قابل توجه است.

مجلسی در بحث اختلاف نسخه‌ها نیز هر چند از میرزا بهره برده، اما گاه در این که کدام واژه را اصل قرار دهد با میرزا همراهی نکرده و گاهی یکی از اختلاف نسخه‌ها را رجحان داده و گاهی نیز وجه مورد استفاده میرزا را بعید شمرده است.

۶. تحلیل روایات

مجلسی در تحلیل روایات فراوان از میرزا استفاده کرده است. در ذیل به برخی از این موارد اشاره می کنیم؛

در فرازی از حدیث دوازدهم کتاب العقل و الجهل یه سه خصلت فرد عاقل اشاره شده است. مجلسی در توضیح این فراز با تعبیر «قیل» به نقل از میرزا رفیعا پرداخته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۶۳؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۵۷-۵۸). مجلسی در تبیین این فراز صرفاً به نقل از میرزا اکتفا کرده و قول دیگری را ذکر نکرده است.

از امام صادق (ع) روایت شده است: «ضَلَّ عِلْمُ ابْنِ شُبْرُمَةَ عِنْدَ الْجَامِعَةِ إِمْلَاءَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ خَطَّ عَلَيَّ ع بِيَدِهِ». مجلسی در تبیین این روایت با تعبیر «قیل» به نقل از میرزا رفیعا پرداخته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۹۷؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۰۳). مجلسی در شرح این روایت تنها به نقل این تبیین میرزا اکتفا کرده و قول دیگری را ذکر نکرده است.

مجلسی در توضیح معانی اصطلاحی عقل به شش معنا اشاره می‌کند. به نظر می‌رسد مجلسی معانی اول و دوم را از میرزا نقل کرده است؛ البته معنای اولی که مجلسی نقل کرده معنای دومی است که میرزا نقل کرده و معنای دوم مجلسی معنای نخست میرزا است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۵؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۴۱).

مجلسی در توضیح مراد از «عَزِيمَه» در یکی از روایات به دو احتمال اشاره می‌کند: ۱. رسوخ در دین ۲. اعتقاد یقینی به امامت که ناشی از دلیل و برهان باشد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۳۳). احتمال دوم منقول از میرزا رفیعا است (قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۴۷). مجلسی به نقل از «بَعْضُ الْأَفْضَلِ» که مراد میرزا رفیعا است، به توضیح چرایی وجود حرف عاطفه واو در عبارت «وَ الْأَخْرَةَ طَالِبَةً وَ مَطْلُوبَةً» و ترک آن در عبارت «الدُّنْيَا طَالِبَةٌ مَطْلُوبَةٌ» در یکی از روایات پرداخته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۵۹-۶۰؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۵۴-۵۵).

مجلسی در یکی از روایات به نقل از «بَعْضُ الْمُحَقِّقِينَ» که مراد میرزا رفیعا است، به تبیین مراد از «احکم» و «اکبر» پرداخته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۴۲؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۴۱).

مجلسی به نقل از «بَعْضُ الْأَفْضَلِ» که مراد میرزا رفیعا است، به تبیین استدلال امام (ع) در روایت دوم باب «حدوث العالم و اثبات المحدث» پرداخته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۴۸-۲۴۹؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۵۰).

مجلسی در شرح یکی از روایات، هفت وجه را به نقل از دیگران مطرح کرده است. وی وجه نخست را از میرزا نقل کرده است (نک: مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۶۴-۲۶۵؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۶۳-۲۶۵).

مجلسی درباره این که مراد از «ابواب اربعه» در حدیث ششم باب معرفه الامام و الرد الیه چیست به پنج وجه اشاره کرده و دو وجه چهارم و پنجم را از میرزا رفیعا نقل کرده است (نک: مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۳۰۵-۳۰۶؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۵۵۴).

مجلسی در برخی موارد در تبیین روایت احتمالات مختلفی را از میرزا رفیعا نقل می کند که میرزا هیچ کدام از آن ها را بر دیگری ترجیح نداده اما مجلسی برخی از آن ها را ترجیح داده است. برای نمونه در یکی از روایات پرسشگر از امام (ع) با تعبیر «فَأَخْبِرْنِي مَتَى كَانَ؟» از زمان وجود خدای تعالی می پرسد. میرزا رفیعا در تبیین مراد پرسشگر دو احتمال را مطرح کرده و هیچ یک را ترجیح نداده است؛ مجلسی نیز این دو احتمال را طرح کرده اما وجه نخست را با تعبیر «ظاهر این است» ذکر کرده و این گونه آن را ترجیح داده است (نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۵۶؛ قس: مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۵۴-۲۵۵).

نمونه دیگر؛ مجلسی در تبیین روایت بیست و یکم کتاب العقل و الجهل با تعبیر «كَذَا قِيلَ» به نقل دو احتمال از میرزا رفیعا پرداخته که میرزا هیچ کدام را بر دیگری برتری نداده اما مجلسی پس از نقل آن ها وجه نخست را اظهر شمرده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۸۰؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۷۳؛ برای دیدن موارد دیگری که مجلسی یکی از وجوه منقول از میرزا را اظهر شمرده است نک: مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۱۸؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۱۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۴۲-۱۴۳؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۱۴۳).

نمونه دیگر؛ میرزا رفیعا در شرح حدیث نخست باب «أَنَّهُ لَا يُعْرَفُ إِلَّا بِهِ»، چهار احتمال را مطرح کرده اما هیچ یک را بر دیگری ترجیح نداده است. مجلسی نیز این چهار احتمال را ذکر کرده است. البته مجلسی هنگام ذکر وجه چهارم نگفته این وجه چهارم است و صرفاً آن را به دنبال وجه سوم ذکر کرده است. وجه چهارم را میرزا به شیخ صدوق استناد داده و اشکالی را بدان وارد می کند و سپس خودش توجیهی را برای آن ذکر می کند. مجلسی نیز این اشکال و توجیه میرزا را نقل کرده و آن را تحقیق «بعض الافاضل» دانسته است که مرادش از آن میرزا رفیعا است. میرزا هیچ یک از این وجوه را ترجیح نداده اما مجلسی وجه سوم را اقرب دانسته و خبر ابن حازم و روایت شیخ صدوق در التوحید را مؤید آن دانسته است (نک: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۸۱-۲۸۳؛ قس: مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۹۶-۲۹۹).

مجلسی در برخی موارد پس از نقل قول میرزا رفیعا و برخی اقوال دیگر یکی از آنها را ترجیح می دهد. برای نمونه مجلسی در شرح روایت هجدهم کتاب العقل و الجهل پس از این که قول میرزا رفیعا را - البته بدون اشاره به نقل قول بودن آن - ذکر می کند به

وجه دیگری با تعبیر «قیل» اشاره می‌کند اما قول نخست که قول میرزا است را اظهر می‌شمارد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۷۷-۷۸؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۷۰-۷۱).

نمونه دیگر؛ مجلسی در شرح حدیث دوم باب «الرَّدُّ إِلَى الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ» با تعبیر «قیل» به نقل توضیح میرزا رفیعا می‌پردازد و پس از آن به نقل وجهی که آن را اظهر شمرده است، می‌پردازد و آن را بر قول میرزا ترجیح می‌دهد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۰۳؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۰۸).

نمونه دیگر؛ مجلسی در تبیین جواب امام صادق (ع) به این که آیا خدا می‌تواند دنیا را در تخم مرغ قرار دهد بی آن که تخم مرغ بزرگ و دنیا کوچک شود چهار وجه را ذکر کرده که وجه نخست از میرزا است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۵۶-۲۵۷؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۵۸). مجلسی وجه چهارم را اظهر دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۵۷). وجه چهارم ظاهراً قول ملاصالح مازندرانی (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ۳: ۴۹-۵۰) است. ملاصالح نیز این چهار وجه را (البته وجه خودش را نخست و وجه میرزا را در آخرین وجه ذکر کرده) در شرحش آورده است (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ۳: ۴۹-۵۱).

نمونه دیگر؛ مجلسی در توضیح استدلال امام صادق (ع) در حدیث نخست باب «حدوث العالم و اثبات المحدث» به دو وجه اشاره کرده است؛ وی وجه دوم را «أَظْهَرَ مَعْنَى» دانسته و وجه نخست را «أَظْهَرَ لَفْظاً» قلمداد کرده و به ذکر توضیح وجه نخست به نقل از «بَعْضُ الْمُحَقِّقِينَ» که مراد میرزا رفیعا است پرداخته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۳۹-۲۴۱؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۴۶-۲۴۷).

نمونه دیگر؛ مجلسی حدیث چهارم باب «الْإِضْطِرَّاءُ إِلَى الْحُجَّةِ» را دال بر این دانسته است که سخنی که برگرفته از قرآن و سنت نیست، باطل است و تکیه بر ادله عقلی در اصول دین جایز نیست. وی در ادامه با تعبیر «قیل» از میرزا رفیعا نقل می‌کند که چون مناظره درباره امامت بوده امام (ع) چنین فرموده است. مجلسی همچنین احتمال می‌دهد که سخن امام (ع) درباره سخن گفتن درباره فروع، مانند فقه و ارث باشد؛ اما در نهایت، تعمیم را اظهر می‌شمارد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۲۶۸-۲۶۹؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۵۲۹).

نمونه دیگر؛ مجلسی ذیل حدیث دوم باب «بذل العلم» دو وجه را ذکر می‌کند که وجه دوم که با تعبیر «قیل» نقل شده است منقول از میرزا رفیعا است. مجلسی پس از نقل این دو وجه، وجه نخست را اوجه دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۳۴-۱۳۵؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۱۳۰).

مجلسی همچنین در برخی موارد به قول میرزا اشکال کرده است. البته اشکالات مجلسی مختصر و به اجمال است. برای نمونه، مجلسی در شرح حدیث دوازدهم کتاب العقل والجهل با تعبیر «قَالَ بَعْضُ مَشَائِخِنَا قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ» به نقل از میرزا رفیعا پرداخته و در انتها کلام میرزا را دارای اشکالی روشن می‌شمارد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۶۱-۶۲؛ کلام نقل شده از میرزا را قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۵۵-۵۶).

همچنین در حدیث چهارم باب «الْفَرْقُ بَيْنَ الرَّسُولِ وَالنَّبِيِّ وَالْمُحَدَّثِ» با تعبیر «قيل» به نقل از میرزا رفیعا پرداخته و در پایان آن را دارای اشکال شمرده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۲۹۲؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۵۴). مجلسی در شرح حدیث ششم از باب «معرفة الامام والرد اليه» به نقل از میرزا پرداخته و سخن وی را دارای تکلف دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۳۱۰؛ کلام نقل شده را قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۵۵۷). مجلسی در برخی موارد سخن میرزا رفیعا را ناستوار دانسته است مگر با تکلفی بعید (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۱۳؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۱۰۶). همچنین در برخی موارد سخن میرزا رفیعا را بعید شمرده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۱۱؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۱۰۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۳۱-۱۳۲؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۱۲۶-۱۲۷).

در نمونه دیگر مجلسی در تبیین حدیث دهم باب «اختلاف الحديث» با تعبیر «قَالَ بَعْضُ الْأَفْاضِلِ» به نقل از میرزا پرداخته و در پایان آن را متین دانسته اما مناقشه در بسیاری از قسمت‌های آن را ممکن شمرده است و از قصد خود برای بیان تحقیق مسئله مورد بحث در رساله‌ای جداگانه خبر داده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۲۳-۲۲۴؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۲۲۴-۲۲۶).

نمونه دیگر؛ مجلسی و جوهی در تبیین مسئله «بداء» نقل کرده که یکی از آن‌ها را با تعبیر «مَا ذَكَرَهُ بَعْضُ الْمُحَقِّقِينَ» به نقل از میرزا رفیعا آورده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۱۳۰-۱۳۱؛ قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۴۷۵). مجلسی معتقد است برخی از این وجوه از معنی بداء برکنار است و برخی از آن‌ها مبتنی بر مقدماتی است که در دین ثابت شده نیست بلکه ادعا شده که اجماع مسلمانان برخلاف آن است. مجلسی تمام این وجوه را مشتمل بر تأویل غیر ضروریِ نصوص بسیار می‌شمارد و به این‌که تفصیل سخن در مورد هریک از این وجوه به اطناب می‌انجامد، توجه می‌دهد و در ادامه وجه مورد نظر خود را بیان می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۱۳۱).

نمونه دیگر؛ در حدیث نخست باب «الْفَرْقُ بَيْنَ الرَّسُولِ وَالنَّبِيِّ وَالْمُحَدَّثِ» پس از آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ» (الحج: ۵۲) تعبیر «وَلَا مُحَدَّثٌ» اضافه

شده است. مجلسی با تعبیر قیل-که ظاهراً اشاره به میرزا رفیعا دارد- این احتمال را مطرح می‌کند که این اضافه برای بیان مراد آیه باشد. مجلسی این احتمال را بسیار بعید می‌شمارد. وی توجه می‌دهد به این که هر چند این احتمال قابل توجیه است اما در بحارالانوار روایاتی آورده‌ایم که در موجود بودن این کلمه در قرآن صریح‌تر از این روایت هستند و هیچ بُعدی در سقوط بخشی از قرآن از جمع عثمان وجود ندارد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۲۸۸؛ کلام نقل شده را قس: نائینی، ۱۳۸۲ش، ۵۴۳).

۷. دلایل نقل گسترده مجلسی از میرزا

در این جا شایسته است به برخی از دلایلی که می‌توان برای نقل گسترده مجلسی از میرزا برشمرد، اشاره کرد: بررسی مرآةالعقول نشان می‌دهد که مجلسی در این شرح فراوان به نقل اقوال مختلف دانشمندان پرداخته است و می‌توان مرآةالعقول را دایرةالمعارفی از اقوال و آرای اندیشمندان خواند. در واقع، می‌توان گفت آثار نقل‌گرایی مجلسی از یک سو در تمسک به روایات، خود را نشان می‌دهد و از سوی دیگر در نقل و گردآوری اقوال و آرای دیگران. همچنین، مجلسی در تبیین روایات فراوان از احتمالات مختلف و قیود تردید بهره می‌گیرد و این امر در مرآةالعقول به وضوح دیده می‌شود و نمایی از احتیاط‌گرایی مجلسی است. این احتیاط‌گرایی نیز مجلسی را به نقل اقوال و وجوه مختلف سوق می‌داده است. بنابراین، نقل‌گرایی و احتیاط‌گرایی مجلسی و گرایش وی به نقل اقوال گوناگون را می‌توان از جمله دلایل نقل گسترده مجلسی از دانشمندان مختلف - به‌طور عام- و از میرزا رفیعا - به‌طور خاص- دانست.

شایان ذکر است که ملاخلیل قزوینی در شروع خود اشاره کرده است که توضیحی که درباره آیات متشابه بیان می‌کند یا نقل از دیگران است و یا صرفاً اظهار احتمال است زیرا معنای آن‌ها را جز خدای تعالی و پیامبر (ص) و ائمه (ع) کسی نمی‌داند. وی اشاره می‌کند که بیان توضیح احادیث نیز به همین صورت است (قزوینی، صافی، ۱: ۹۹ و ۱۸۱؛ قزوینی، الشافی، ۱: ۸۲).

بنابراین یکی از راه‌های رفع مسئولیت از خود نقل از دیگران است و ممکن است مجلسی نیز در برخی موارد به همین دلیل به نقل از دیگران پرداخته باشد. همچنین به نظر می‌رسد یکی از دلایل مهم اهتمام بسیار مجلسی به نقل اقوال دیگران آگاه کردن مخاطب از اقوال گوناگون است؛ چنان‌که مجلسی در ذیل یکی از روایات پس از نقل برخی اقوال درباره آلام و استحقاق عوض، دلیل نقل آن‌ها را آگاه کردن مخاطب از اقوالی

که اصحاب امامیه به تبعیت از اصحاب اعتزال بیان کرده‌اند، دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۸: ۱۳).

مجلسی در برخی موارد به کثرت اشتغال و عجله داشتن خود توجه داده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۲۵۵) که می‌توان آن را از دیگر دلایل نقل گسترده وی از میرزا و دیگران به شمار آورد. مؤید این دلیل این است که در برخی موارد آگاهی از مطالبی که مجلسی از میرزا نقل می‌کند دشوار نیست و دلیل آن می‌تواند صرفه‌جویی در وقت باشد. اینکه میرزا از مشایخ مجلسی و علمای برجسته عصر صفوی بوده نیز می‌تواند در نقل گسترده مجلسی از وی تأثیرگذار بوده باشد. عالمانه بودن و قوت شرح میرزا از دیگر دلایل است. همچنین مختصر بودن شرح میرزا ممکن است یکی از دلایل رغبت بسیار مجلسی به این شرح باشد چرا که مجلسی در مقدمه‌اش بر مرآة العقول به این که قصد اختصار در شرح روایات دارد اشاره کرده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۳)، هر چند که مجلسی به شروح مفصل همچون شرح ملاصدرا و ملاصالح مازندرانی نیز توجه بسیار دارد. دلیل دیگر را می‌توان نزدیکی فکر و اندیشه مجلسی به میرزا دانست، هر چند اختلافاتی نیز میان آن‌ها وجود دارد.

نکته شایان ذکر دیگر این است که چرا اشکالات مجلسی به میرزا مختصر است نه تفصیلی؟ پاسخ این است که همان‌طور که مجلسی در مقدمه مرآة گفته است وی در صدد نقد اقوال حاشیه‌نگاران و مشایخش که از آن‌ها نقل می‌کند، نبوده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۳).

۸. نتیجه‌گیری

- ۱- مجلسی در مرآة العقول فراوان از حاشیه میرزا رفیعا بهره است.
- ۲- مجلسی در زمینه‌های مختلف همچون تبیین معنای واژگان، بحث‌های صرفی، نحوی و بلاغی، اختلاف نسخه‌ها و تحلیل روایات از میرزا استفاده کرده است.
- ۳- نقل گسترده مجلسی نشان از جایگاه والای حاشیه میرزا در نزد مجلسی دارد. همچنین می‌توان آن را دال بر نزدیکی فکر و اندیشه مجلسی به میرزا دانست، هر چند اختلافاتی میان آن‌ها وجود دارد.
- ۴- علاوه بر جایگاه والای حاشیه میرزا در نزد مجلسی و دیگر اندیشمندان می‌توان دلایل دیگری برای نقل گسترده مجلسی از میرزا برشمرد که عبارتند از: نقل‌گرایی و احتیاط‌گرایی مجلسی و گرایش وی به نقل اقوال گوناگون، کثرت اشتغال مجلسی،

مختصر بودن حاشیه میرزا، از مشایخ مجلسی و علمای برجسته عصر صفوی بودن میرزا، نزدیکی فکری مجلسی به میرزا.

۵- هرچند مجلسی در برخی موارد به نقل کلام میرزا اکتفا کرده اما وی به دیگر وجوه و اقوال نیز توجه بسیار داشته و در مواردی که لازم می‌دیده به ذکر دیگر اقوال و وجوه نیز می‌پرداخته است. همچنین مجلسی در برخی موارد اظهار نظر کرده و برخی از وجوه را ترجیح داده و در برخی موارد به میرزا اشکال کرده است؛ البته اشکالات وی به اختصار هستند که دلیل آن این است که مجلسی قصد نداشته به تفصیل به نقد اقوال مشایخش و دیگر حاشیه‌نگاران بپردازد.

۶- وجود سهو قلم‌های بسیار در مرآة العقول بر لزوم تصحیح مجدد و محققانه این شرح دلالت دارد.

منابع

- قرآن کریم.
استرآبادی، ملا محمدامین، الحاشیه علی اصول الکافی، تصحیح: مولی خلیل قزوینی و علی فاضلی، قم، دارالحديث، ۱۴۳۰ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، تصحیح: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
- جیلانی، رفیع‌الدین محمد بن محمد مؤمن، الذریعه الی حافظ الشریعه، تصحیح: محمد حسین درایتی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
- ربانی، محمد حسن، اصول و قواعد فقه الحديث، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۳ش.
- شریف شیرازی، محمد هادی بن معین‌الدین محمد (آصف شیرازی)، الکشف الوافی فی شرح اصول الکافی، تصحیح: علی فاضلی، قم، دارالحديث، ۱۴۳۰ق.
- فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع)، ۱۴۰۶ق.
- قزوینی، ملاخلیل بن غازی، صافی در شرح کافی، تصحیح: محمد حسین درایتی و حمید احمدی جلفایی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
- قزوینی، ملاخلیل بن غازی، الشافی فی شرح الکافی، تصحیح: محمد حسین درایتی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی، تصحیح: ابوالحسن شعرانی، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۲ق.
- مجدوب تبریزی، محمد، الهدایا لشیعة أئمة الهدی، تصحیح: محمد حسین درایتی و غلامحسین قیصریه‌ها، قم، دارالحديث، ۱۳۸۷ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- _____، مرآة العقول، تصحیح: هاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۴ق.

مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۴ ش.

ملاصدرا، محمدبن ابراهیم، شرح أصول الكافی، تصحیح: محمد خواجوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.

میرداماد، محمدباقر بن محمد، التعلیقہ علی اصول الكافی، تصحیح: مهدی رجائی، قم، الخیام، ۱۴۰۳ ق.

نائینی، رفیع‌الدین محمد بن حیدر (میرزا رفیعا)، الحاشیة علی اصول الكافی، تصحیح: محمدحسین درایتی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۲ ش.